

## اماره در حقوق کیفری انگلیس

علیرضا قرجه‌لو<sup>۱</sup>

اشاره:

اثبات جرم از دو طریق صورت می‌گیرد، جرم یا به واسطه ادله مستقیم مثل شهادت و اقرار به اثبات می‌رسد و یا اینکه به دلیل نبودن ادله مستقیم از طریق ادله غیرمستقیم مثل امارات، اوضاع و احوال و... موارد اخیر به دلیل غیرمستقیم بودن و به جهت اینکه در تقسیم‌بندی امارات قرار دارند، ارزش اثباتی کمتری دارند و براحتی نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند. در این مقاله به بررسی این ارزش اثباتی و ذکر برخی مصادیق امارات؛ توجه شده است.

مقدمه

حقوق انگلیس به عنوان یکی از مصادیق حقوق کامنلا، دارای ویژگی‌هایی است که بررسی موضوعات مرتبط با آیین دادرسی، بویژه ادله را اقتضا می‌نماید. ویژگی که در حقوق انگلیس وجود دارد، همان ارتباط تنگاتنگ با موضوعات عملی است؛ هر چند مباحث آکادمیک و دانشگاهی نیز جای خود را دارد. ولی گاه حل یک معضل حقوقی جز به شکل عملی انجام شدنی نیست. انتخاب حقوق انگلیس از این جهت است، زیرا بسیاری از معضلات حقوقی را با پرونده و نمونه‌های عملی حل کرده است.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی. (a-gharacheloo@sbu.ac.ir)

هدف از انتخاب ادله اثبات دعوا و بخصوص اماره به عنوان موضوع تحقیق، مشکلاتی بوده است که همواره در این بخش مطرح است. در موضوعات دیگر هم نیاز به تحقیق و بررسی وجود دارد، اما آثار سوئی که به جهت معضلات ادله اثبات ایجاد می‌شود، بیشتر از سایر موضوعات است. ارزش دادن یا بی ارزش کردن یک دلیل به طور بلافاصل منجر به محکومیت یا تبرئه متهم می‌شود. پس اگر در امارات؛ فرق اماره از دلیل و فرق امارات مختلف از یکدیگر آشکار نشود، با مشکل روبرو خواهیم شد.

فرض این تحقیق بر این است که امارات جزء دلایل نیست، زیرا به لحاظ لفظ و معنا با دلیل فرق دارد. تأثیر این تحقیق نیز می‌تواند بر سیستم قانونگذاری و بر سیستم اجرای قوانین باشد. یعنی با آشکار کردن مواردی که در سیستمهای دیگر اماره هستند، می‌توان مقایسه خوبی با حقوق ایران برقرار ساخت و ارزش امارات را به لحاظ اثباتی در آن سیستم دید و بعد در صورتی که شرایط اقتباس و استفاده وجود داشته باشد، موارد آن را وارد سیستم ایران کرد. البته باید توجه داشت که بسیاری از مباحثی که در انگلیس مطرح می‌شود با توجه به بستر و زمینه‌هایی که به لحاظ عرفی در آنجا وجود دارد، مطرح شده است و اقتباس کورکورانه از آنها معنا ندارد.

#### بخش اول. مفهوم و تقسیم بندی

در این قسمت ابتدا مفهوم و سپس تقسیم بندی مرتبط با امارات ذکر می‌شود. هدف از ذکر این کلیات، واضحتر شدن عناوینی است که در قسمتهای بعد به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱. مفهوم اماره و تفکیک آن از دلیل

اماره در حقوق کیفری به قراین و نشانه‌هایی اطلاق می‌شود که در نوع خود متعدد است. امارات، اوضاع و احوال نیز گفته می‌شود، یعنی مجموعه چیزهایی که به طور

غیر مستقیم به اثبات جرم می‌پردازد. برای مثال سکوت متهم یا دروغگویی وی به عنوان امارات کیفری مطرح است.<sup>۱</sup> در مقابل چیزهایی که به طور مستقیم به اثبات موضوع می‌پردازد، مواردی مثل شهادت، اقرار و مانند آن می‌باشد. در این مفهوم گاه با تقسیم‌بندیهای متعددی روبه‌رو هستیم. اول، اماراتی که در حقوق مدنی مطرح است، مثل اماره موت فرضی،<sup>۲</sup> اماره فراش<sup>۳</sup> و اماره ازدواج.<sup>۴</sup> دوم، اماراتی که در حقوق جزا مطرح می‌شود، مثل اماره بی‌تقصیری، اماره موضوعی و اماره حکمی.

وقتی گفته می‌شود اماره، درجه ضعیفتری از جهت اثبات نسبت به ادله به ذهن متبادر می‌شود. یعنی آن چیزی که احتمال اثبات جرم توسط آن کمتر است، مگر اینکه در حالتی، بخصوص در امارات علمی برای قاضی اقناع ایجاد کند. مثلاً از مجموع اماراتی نظیر رد پا، منی، لکه خون، رد لاستیک ماشین و.. می‌توان به حضور فردی در منزل الف و تجاوز به او پی برد. لکن با وجود هیچ یک از این قراین به تنهایی نمی‌توان به چنین نتیجه‌ای رسید. همین ویژگی است که باعث می‌شود، به آنها ادله غیر مستقیم گفته شود. یعنی به طور مستقیم به اثبات جرم منتهی نمی‌شود.

عنصر «غیر مستقیم» در تعریف امارات با یک مثال دیگر قابل توضیح است. فرض کنید الف متهم به سرقت از گاو صندوق ب شده است. در صورتی که سابقاً الف دفترچه یادداشت ب را سرقت کرده است و رمز گاو صندوق در دفترچه مرقوم باشد، احتمال بسیاری وجود دارد که الف به لحاظ این اماره که به «امارات مرتبط با

1. Emson, Raymond, Evidence, Second Edition, Palgrave Publishing, London, 2004, p 10.

2. Presumption of Death.

3. Presumption of Legitimacy.

4. Presumption of Marriage.

سابقه جرم<sup>۱</sup> معروف است، محکوم به سرقت از گاو صندوق شود.

انگیزه نیز مصداقی از امارات است. برای مثال وجود سابقه خصومت بین الف و ب می تواند اماره ای بر قتل ب توسط الف باشد.<sup>۲</sup> در تعریف اماره می توان گفت: «هر آن چیزی که اولاً دلیل نیست، ثانیاً کشف حقیقت توسط آن مستقیم نباشد، ثالثاً در صورت متعدد بودن به اثبات منتهی می شود»<sup>۳</sup>.

در یک معنا، دلیل به عنوان اثبات کننده موضوعات عنوان می شود. این تعریف می تواند شامل «عدم اثبات» نیز بشود، زیرا گاه هدف دلیل «عدم اثبات» است. مثل

1. Background Evidence.

2. R v. bll[1911].

۳. از لحاظ لغوی در حقوق ایران، اماره به معنا نشانه و علامت است و از جهت حقوقی، هر چیزی که اولاً جنبه کاشفیت داشته و ثانیاً کاشفیت مذکور قطعی نبوده، بلکه ظنی باشد و ثالثاً قانونگذار کاشفیت مزبور را مورد توجه قرار داده باشد. نک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷، ص ۷۷.

برخلاف دلیل که قطعیت آور است، اماره ظن آور می باشد. البته این موضوع قابل بحث و نقد است. اماره از دلیل مجزا است و علی رغم این که در ماده ۱۲۵۸ ق.م اماره از مصادیق دلیل است، ولی این امر درست نیست. وجه تمایز سنتی و فقهی بین دلیل و اماره در این است که در اصول فقه، دلیل چیزی است که امور مجهول را واضح و روشن می کند و برای کشف واقع و پی بردن به حکم واقعی یا موضوعات احکام به کار می رود. نک: محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۷۳.

بعلاوه «دلیل» برای قاضی اقناع آور است و نیازی نیست که افراد دیگری از جمله «ضابطان دادگستری» به اقناع برسند. نک:

Best, WM, Principles of the Law of Evidence, Fifth Edition, H Sweet, London, 1887, p.208.

باید توجه داشت آنچه از مفهوم اماره بیان می شود مفهومی است که تا حدی برگرفته از مواد قانونی است، از جمله ماده ۱۳۲۱ ق.م. «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود». هرچند این ماده کامل نیست و به جای تعریف اماره صرفاً مصادیق آن را که اماره حکمی و قضایی است، بیان می کند.

حالتی که الف شهادت به حضور ب نزد وی، در شب حادثه می‌دهد.<sup>۱</sup> شهادت به عنوان دلیل، در حقوق انگلیس جزء «ادله درک عمومی»<sup>۲</sup> به شمار می‌آید که در مقابل آنها «ادله علمی»<sup>۳</sup> قرار دارد که در حقوق انگلیس دارای ارزش بیشتری است. اقرار نیز براحتی نمی‌تواند مورد پذیرش باشد و در صورتی که از طریق اجبار کسب نشده باشد دارای اعتبار است. به این ترتیب دلیل بودن در حقوق انگلیس لزوماً به معنای اعتبار و اماره بودن به معنای عدم اعتبار نیست.

## ۲. تقسیم بندی امارات

در یک تقسیم بندی، طرق اثبات به ادله و امارات تقسیم می‌شوند. در ذیل ادله، شهادت، اقرار، قسم و علم قاضی قرار دارد. امارات نیز دارای یک تقسیم بندی است و آن تقسیم امارات به موضوعی و حکمی است. اولین سوال قابل طرح این است که تمام زیرمجموعه‌های امارات (موضوعی و حکمی) یا تمام زیر مجموعه‌های ادله (شهادت، اقرار، قسم و علم قاضی) به طور یکسان از ویژگیهای عنوان خود (اماره یا دلیل) برخوردارند. یعنی به همان میزان که علم قاضی اقناع آور است به همان میزان نیز شهادت اقناع آور است؟ یا اماره حکمی و موضوعی به طور یکسان ویژگیهای اماره را دارد؟ به نظر می‌آید در معنای اعم، اینچنین باشد یعنی در زیر مجموعه‌های دلیل، همه در ویژگی اقناع آوری یکسانند. در اماره نیز هم اماره حکمی و هم اماره موضوعی هر دو حول محور اثبات می‌چرخند، ولی اماره حکمی به اثبات موضوعات و اماره حکمی به اثبات احکام و دستورات قانون گذار می‌پردازند.

حقوق انگلیس دو دسته از امارات را از یکدیگر تفکیک می‌کند. در یک تقسیم

1. Black's Law Dictionary, Eight Edition, by Garner, Bryan, A, West Publishing, US, 2004, p. 595.

2. Common Sense Evidence.

3. Scientific Evidence.

بندی امارات در حقوق انگلیس، به اماره بدون مبنا<sup>۱</sup> و امارات مبنادار تقسیم می‌شود. امارات مبنادار، اماراتی است که نیازمند اثبات یک سری وقایع مقدماتی است و تا زمانی که این وقایع مقدماتی به اثبات نرسد، نمی‌توان وجود آن اماره را تأیید کرد. این دسته از امارات به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. امارات موضوعی<sup>۲</sup> ۲. امارات حکمی غیر قابل رد<sup>۳</sup> ۳. امارات حکمی قابل رد.<sup>۴</sup>

در کنار این امارات، امارات بدون مبنا قرار دارد، که نیازی به اثبات وقایع مقدماتی ندارد. در این دسته، دو نوع از امارات جای دارد که عبارتند از: «۱. اماره بی‌تقصیری»<sup>۵</sup> که در حقوق ایران به اصل برائت معروف است. ۲. «اماره سلامت»<sup>۶</sup> که به موجب آن افراد در حین ارتکاب جرم، سالم فرض می‌شوند و مدعی جنون باید آن را ثابت کند.<sup>۷</sup> این اماره در حقوق ایران وجود دارد، هر چند اسم و عنوانی ندارد. یعنی در حقوق ایران نیز در صورت ارتکاب جرم، اماره بر این است که مجرم سالم است، مگر اینکه خلاف آن را ثابت کند.

در این میان، اماره تصرف پیشین یک اماره مبنادار است. زیرا ابتدا باید یک سری اعمال مقدماتی را ثابت کرد و سپس به این اماره استناد جست. اعمال مقدماتی در این اماره عبارتند از: وقوع سرقت، یافت شدن فردی با لوازم مسروقه با فاصله زمانی اندک در حوالی محل سرقت.

به امارات موضوعی «امارات موقتی»<sup>۸</sup> نیز می‌گویند. زیرا فقط نسبت به فرد مورد

1. Presumption without Basic Facts.
2. Presumption of Fact.
3. Irrebuttable presumption of Law.
4. Rebuttable presumption of Law.
5. Presumption of Innocence.
- 6.1 Presumption of sanity.
7. Emson, op cit, p 437.
8. Provisional Presumption

نظر با شرایط خاص هر دعوا قابل اعمال است و نسبت به افراد دیگر که فاقد آن شرایط هستند، قابل اعمال نیست. به امارات غیرقابل رد حکمی، امارات قطعی<sup>۱</sup> نیز می‌گویند، زیرا اثبات فرض مخالف آن وجود ندارد، مثل اماره عدم رشد. امارات قابل رد حکمی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. امارات اقناع آور<sup>۲</sup> ۲. امارات مستدل.<sup>۳ و ۴</sup>

### بخش دوم. مصادیق امارات

در این قسمت برخی مصادیق امارات که در حقوق کیفری انگلیس مورد اشاره قرار گرفته است، بررسی می‌شود. با توجه به اینکه حقوق انگلیس تا حد زیادی مبتنی بر رویه است، آراء مورد توجه بیشتری است، هرچند در قسمتهایی قوانین انگلستان نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد.

#### ۱. دروغگویی متهم

دروغگویی دارای معانی متعددی است؛ مثلاً قلب واقعیت دروغگویی است. می‌توان اضافه کردن چیزهایی را که هرگز اتفاق نیفتاده است، دروغگویی تعریف کرد. در مقابل، نگفتن واقعیت، دروغگویی نیست، به عبارتی دیگر بر خلاف سکوت، که با ترک فعل رخ می‌دهد، فرد دروغگو باید مرتکب فعل شود و صرف عدم صحبت و نگفتن یک واقعیت، دروغگویی نمی‌باشد. ممکن است فرد گناهکاری برای فرار از محکومیت دروغ بگوید یا فرد بی‌گناهی برای به تعویق انداختن دادرسی، دفاع از خود و.. متوسل به دروغ شود.<sup>۵</sup> پس صرف دروغگویی نمی‌تواند علیه متهم استفاده شود. افراد عموماً به دلیل عدم آشنایی با موازین دادرسی و دادگاه حتی در

1. Conclusive Presumption.
2. Persuasive Presumption.
3. Evidential Presumption.
4. Emson, op cit. p. 457.
5. R v. Middleton [2001].

صورت بی گناهی متوسل به دروغ می شوند. زیرا تأیید عمل را حتی اگر مجرمانه نباشد، به ضرر خود فرض می کنند، در اینجاست که نقش وکیل مدافع پررنگتر می شود و وی می تواند با انجام مشاوره صحیح با موکلش، وی را در بیان مطالب یاری کند. پس فرد بی گناه نیز ممکن است دروغ بگوید بخصوص این امر در مورد اطفال شایعتر است و وظیفه قاضی است که با استفاده از کارشناسان (بخصوص کارشناسان روان شناسی) صحت و سقم حرفهای اطفال را جویا شود.

معیاری که در حقوق انگلیس برای برخورد با دروغ متهم مورد استفاده قرار می گیرد، «رهنمود لوکاس»<sup>۱</sup> می باشد. این رهنمود از دعوایی<sup>۲</sup> با همین نام اخذ شده است. در واقع این رهنمود، برای پیشگیری از این امر است که مبادا از دروغ متهمی که احتمال بی تقصیر بودن وی می رود، علیه او استفاده شود. در اصل همچنان که در سال ۱۹۹۶<sup>۳</sup> تأکید شد، در دو حالت قاضی این رهنمود را به هیأت منصفه متذکر می شود. اول در حالتی که قاضی احساس کند هیأت منصفه می خواهد دروغگویی متهم را دلیل مقصر بودن او تلقی کند و دوم در حالتی که علی رغم دروغگویی متهم، دلایلی وجود دارد که نشان می دهد متهم در آن زمان در صحنه جرم حضور نداشته است.<sup>۴</sup>

با وجود رهنمود لوکاس، احتمال این که فرد بی گناهی که متوسل به دروغگویی شده است، مجرم شناخته شود، کاهش می یابد. با این رهنمود، هیأت منصفه می باید دقت بیشتری در تصمیم گیری داشته باشد و در صورتی که باز هم احساس کرد که متهم مورد نظر مجرم است، دروغ او را اماره ای بر مجرم دانستن او احتساب کند.

1. Lucas Direction.
2. R v. Lucas [1981].
3. R v. Burge [1996].
4. Alibi Evidence



**۲. سکوت متهم**

سکوت یعنی حرف نزدن یا کم حرف زدن یا گفتن عبارات مبهم که می‌تواند علیه متهم استفاده شود. سکوت در دو مرحله قابل بررسی است. یک مرحله مرتبط به قبل از محاکمه و مرحله دیگر مرتبط به زمان محاکمه است که به آنها پرداخته می‌شود.

**۲-۱. سکوت قبل از محاکمه**

این امکان وجود دارد که متهم قبل از محاکمه، صرفاً نزد مأموران پلیس سکوت کند. چنین سکوتی دارای آثاری در مرحله محاکمه می‌باشد که ممکن است به ضرر متهم بوده باشد یا تأثیری نداشته باشد. سکوت متهم می‌تواند در شرایط مختلف باشد و در هر شرایطی به شکل خود تفسیر شود. این سکوت ممکن است در مقابل پلیس و به دلیل ترس از آنها باشد. چنین سکوتی نمی‌تواند دلیلی بر قبول اتهام باشد.<sup>۱</sup>

ممکن است ما با فردی کم حرف روبه‌رو باشیم که سکوت وی به جهت کم حرف بودن او باشد. یا در بعضی شرایط، شاکی یک فرد دائم الخمر یا یک بیمار روانی است که سکوت متهم در چنین شرایطی به دلیل حالات و روحیات اوست. اما فردی که اموال مسروقه‌ای نزد او یافت شده است و از پاسخگویی خودداری می‌کند با وجود سایر اوضاع و احوال، ممکن است سکوت وی علیه او مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۲</sup>

حقوق موضوعه انگلیس نیز صرف سکوت را دلیل مثبت یا منفی نسبت به متهم نمی‌داند، بلکه تحت شرایط مختلف آن را تفسیر می‌کند. ماده ۳۴ قانون عدالت جزایی و نظم عمومی مصوب ۱۹۹۴<sup>۳</sup> عنوان می‌کند در صورتی که متهم در حین بازجویی پلیس، سکوت اختیار کند، هیأت منصفه یا قضات مجستریت می‌توانند از

1. Hall v. R [1971]

2. R v. Seymour [1954].

3. Criminal Justice And Public Order Act 1994.

سکوت وی علیه خودش استفاده کنند، مشروط بر این که پلیس اخطار لازم را (شما می‌توانید چیزی نگویند، ولی هر حرفی که بزنید در دادگاه علیه شما استفاده خواهد شد) را داده باشد.

### ۲-۲. سکوت در طی محاکمه

در این مرحله سکوت متهم دارای آثاری است. گاه این آثار تحت اوضاع و احوالی علیه متهم و گاه تأثیری علیه او ندارد. سکوت متهم در صورتی که قرائن مثبت دیگری، بیانگر ارتکاب جرم از ناحیه متهم باشد، می‌تواند علیه او استفاده شود. این رویه در حقوق کاملاً دارای نمونه‌هایی است.<sup>۱</sup> در پرونده‌ای فرد الف متهم به ضرب و جرح غیر عمدی دیگری توسط وسیله نقلیه می‌شود. او عنوان می‌دارد که در شب حادثه، در منزل بوده است و از ارایه اظهارات دیگر خودداری می‌کند. دادگاه دلایلی ارائه می‌کند که وی شب حادثه را در منزل نبوده است و بر این مبنا وی را محکوم می‌کند. و در نهایت دادگاه تجدید نظر متذکر می‌شود که علی‌رغم تعلق ماشین به مادر متهم، چون استفاده کننده اصلی الف بوده است، محکومیت وی تأیید می‌شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز محکومیت وی را تأیید می‌کند و در توضیح می‌گوید: «با توجه به سکوت متهم و وجود قراینی که در کنار سکوت علیه متهم مطرح است (از جمله عدم حضور متهم در شب حادثه در منزل، وجود قراینی مبنی بر پنهان کردن واقعه و این که استفاده کننده اصلی وسیله نقلیه متهم و نه مادر وی بوده است) می‌توان وی را محکوم کرد».<sup>۲</sup>

### ۳. اماره تصرف پیشین و اماره استمرا

اماره اول در بحث سرقت مطرح می‌شود. در برخی از موارد براحتمی می‌توان، سارق بودن فرد را، هرچند شاهد یا دلیل مستقیمی در بین نباشد، محرز دانست. اگر مغازه

1. Telfner v. Austria [2001].

2. Ashworth, Andrew J and Ovey, Clare, Case Comment: Human Rights: Adverse Inferences from Silence, Criminal Law Review, Oct, [2001], p. 821.

فردی مورد سرقت قرار گیرد و با فاصله زمانی کمی بعد از سرقت، فردی در همان نزدیکی با اموال مسروقه مغازه فوق دستگیر می‌شود، می‌توان این فرد را به جرم سرقت محکوم کرد. اماره مرتبط با این فرض، «اماره تصرف پیشین»<sup>۱</sup> می‌باشد.<sup>۲</sup>

احتمال بسیاری به لحاظ منطقی وجود دارد که چنین شخصی مرتکب سرقت از آن مغازه شده باشد و تصور امری غیر از آن سخت به نظر می‌رسد. شرط است که بین سرقت و یافت شدن اموال مسروقه نزد متهم، فاصله زمانی زیادی نباشد؛ در غیر این صورت متهم کردن فرد به نگهداری اموال مسروقه<sup>۳</sup> صحیحتر است. این اماره به «اماره اندیشه مجرمانه»<sup>۴</sup> نیز معروف است. زیرا فرد دارای اندیشه مجرمانه‌ای بوده است که متعاقب آن سرقت نیز صورت گرفته است.

نوع دیگری از اماره موضوعی تحت عنوان «اماره استمرار»<sup>۵</sup> مطرح است. در این حالت اگر فردی برای مسافرت به شهری برود و شب را نیز آنجا بماند، اماره بر این است که تا ساعت ۸ صبح در آن شهر حضور داشته است. پس اگر متعاقباً دعوای تجاوز به عنف علیه زنی، در ساعت ۸ صبح علیه او مطرح باشد، حضور او در چنین ساعتی در شهر و محل حادثه با احتمال بسیاری همراه است، زیرا حضور او در شب تا ساعت ۸ صبح، تداوم و استمرار خواهد داشت. در پرونده‌ای<sup>۶</sup> این اماره این گونه مطرح شد که اگر فردی در سال ۱۸۸۰ بنا به اقرار خود معتقد به خدا نبوده است، عدم اعتقاد در سال ۱۸۸۴ (که در آن سال پرونده‌ای علیه وی مطرح گشته) همچنان ادامه دارد.

1. The Doctrine of Recent Possession.
2. Allen, Christopher, Practical Guide to Evidence, Third Edition, Cavendish Publishing, 2004, pp. 135- 136.
3. Handling Stolen Goods.
4. The Presumption of Guilty Mind.
5. Presumption of Continuance.
6. Attorney General v. BradLaugh [1880]

#### ۴. شخصیت خوب متهم<sup>۱</sup>

گاه داشتن رفتار خوب، اشتها مثبت، فقدان سابقه جزایی و مانند آن، از اماراتی است که احتمال محکومیت فرد را تقلیل می‌دهد. زمانی می‌توان از قراین «شخصیت خوب»، به نفع متهم استفاده کرد که برای فرد شهرت عمومی<sup>۲</sup> ایجاد کند و اگر نه ایجاد اعتبار در میان چند فرد محدود اثری ندارد. در پرونده‌ای<sup>۳</sup> همین مساله (عدم پذیرش اشتها خاص) مورد تأکید قرار گرفت و متعاقباً در پرونده‌های بعدی نیز به کار رفت. در دعوایی<sup>۴</sup> فرد الف متهم به رابطه جنسی در یک دستشویی عمومی با فرد ب شد. الف برای رد اتهام به نامه‌ها و کارت تبریکهای عاشقانه و عکس، استناد کرد تا منکر رابطه جنسی شود. علی‌رغم چنین استدلالی قاضی دادگاه حکم به محکومیت الف صادر کرد و عنوان داشت چنین قراینی صرفاً اشتها خاص در میان افراد معدودی ایجاد می‌کند و نمی‌تواند دلیل «شخصیت خوب» متهم به طور کلی باشد.<sup>۵</sup>

از سال ۱۹۳۳ به موجب رهنمود «وای» که در یکی از پرونده‌های انگلیسی وضع شد،<sup>۶</sup> قضات ملزم شدند تا در صورتی که متهم دارای شخصیت خوبی باشد، هیأت منصفه را راجع به این موضوع رهنمود کنند در غیر این صورت، حکم آنها در مرحله بالاتر نقض می‌شود. در پرونده «وای»، فرد الف که فاقد سابقه قبلی بود (با توجه به این که فقدان سابقه قبلی از قراین «شخصیت خوب» است) بر این مبنا که قاضی راجع به عدم امکان ارتکاب جرم از ناحیه او به هیأت منصفه حرفی نزنده است، درخواست تجدید نظر کرد و دادگاه تجدید نظر نیز به دلیل عدم به کار بردن رهنمود

1. Evidence of Good Character.

2. General Reputation.

3. R v. Rowton [1865].

4. R v. Redgrave [1981].

5. Allen, op. cit, pp. 243- 244

6. R v. Vye

مذکور (عدم هدایت هیأت منصفه در جهت عدم احتمال ارتکاب جرم از ناحیه الف) حکم محکومیت را نقض کرد.

داشتن «شخصیت خوب» می‌تواند به جهات مختلف باشد. از جمله نداشتن سابقه محکومیت به معنای داشتن «شخصیت خوب» می‌باشد<sup>۱</sup> یا حتی اگر پرونده متهم در حال رسیدگی در دادگاه دیگری است و حکم قطعی صادر نشده است؛ این نافی در نظر گرفتن «شخصیت خوب» در پرونده حاضر نیست. پس داشتن سابقه محکومیت قطعی، نافی «شخصیت خوب» است ولی اگر هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد؛ این امر خدشه‌ای به «شخصیت خوب» وارد نمی‌کند.

رهنمود «وای» دو نوع است. در صورتی که متهم در دادگاه شهادت داده یا حرفهایی زده باشد که نشان از بی‌گناه بودن وی باشد در این دو صورت «رهنمود صحت»<sup>۲</sup> (که از انواع رهنمود «وای» است) صادر می‌شود. اما در صورتی که قاضی احتمال کمی بدهد که جرم از ناحیه متهم ارتکاب یافته است «رهنمود عدم امکان»<sup>۳</sup> را صادر می‌کند. این دو رهنمود برای تفکیک و تمیز حالت‌های مختلف «شخصیت خوب» ایجاد شده است تا هر کس با توجه به درجه‌ای از «شخصیت خوب» رهنمود خاص او صادر شود و به همان میزان نیز هیأت منصفه برای او ارفاق قائل شود.

#### ۵. شخصیت بد متهم<sup>۴</sup>

«شخصیت بد» همچنان که ماده ۱۱۲ تبصره ۱ قانون عدالت جزایی مصوب ۲۰۰۳<sup>۵</sup> عنوان می‌کند، به معنای ارتکاب جرم یا انجام رفتارهای مذموم است. فردی که در حال حاضر جرمش در حال رسیدگی است در صورتی که قبلاً نیز مرتکب جرمی

1. R v. Aziz [1995]

2. Credibility Direction.

3. Propensity Direction

4. The Accused Bad Character

5. Criminal Justice Act 2003

شده باشد و یا رفتاری انجام داده باشد که از نظر عرف و جامعه عمل زشت و نادرستی بوده است، هیأت منصفه و قضات آن را به عنوان «شخصیت بد» در نظر می‌گیرند. از طرفی همانند «شخصیت خوب» در «شخصیت بد» نیز عمومیت شرط است، یعنی داشتن خصومت شخصی با چند نفر خاص دلیل بر «شخصیت بد» نیست.<sup>۱</sup>

کمیسیون حقوقی در توصیه‌های خود، «شخصیت بد» را به انجام دادن جرم یا انجام دادن رفتارهای نامعقول تفسیر می‌کند.<sup>۲</sup> برخی اعمال نیز نمی‌تواند بیانگر «شخصیت بد» باشد؛ مثلاً دروغ گفتن در دادگاه یا اعمالی نظیر آن را نمی‌توان نشانگر «شخصیت بد» دانست. هر چند دروغ‌گویی نسبت به دعوا، به شکل دیگری ممکن است اماره‌ای علیه متهم باشد.<sup>۳</sup>

#### ۶. تعارض امارات<sup>۴</sup>

امارات در بعضی موارد با یکدیگر تعارض پیدا می‌کنند. ممکن است اماره‌ای به اثبات موضوعی پردازد و همزمان اماره‌ای دیگر همان موضوع را نفی کند. گاه یکی از امارات قطعی (اماره حکمی غیر قابل رد) بی‌تقصیری<sup>۵</sup> فرد را بیان می‌کند و همزمان به دلیل وجود مال مسروقه نزد فرد به جهت اماره موضوعی وی مقصر می‌باشد. در چنین حالتی اگر متهم نتواند توضیح قانع‌کننده‌ی ارایه دهد؛ مجرم می‌باشد. اصل بر عدم مجرمیت فرد است، ولی این اصل تا زمانی حاکم است که اماره‌ای خلاف آن نیاید و در صورت وجود اماره‌ای خلاف آن (همچنان که در اماره موضوعی در بحث دکترین تصرف پیشین ذکر شد) وی مجرم شناخته می‌شود. البته مشروط بر این که

1. Allen, op. cit, p. 247

2. Law Commission No 273, [2001], para 8.19

3. Conflicting Presumptions.

۴. نک: بند یک از بخش دوم همین مقاله: دروغ‌گویی به عنوان اماره.

5. Presumption of Innocence.

تمام شرایط دکترین در اینجا وجود داشته باشد. به عنوان مثال فاصله‌ای بین زمان سرقت و زمان دستگیری سارق نباشد در غیر این صورت، وی محکوم به سرقت نمی‌شود.

به غیر از تعارض مذکور، امکان تعارض بین دو اماره وجود ندارد. البته مشروط بر این که این دو اماره مختلف باشند، به عنوان مثال امکان این وجود ندارد که بین اماره قطعی عدم امکان ارتکاب جرم توسط اطفال زیر ۱۰ سال و اماره تصرف پیشین تعارض ایجاد شود. زیرا طفل زیر ۱۰ سال توانایی ارتکاب جرم ندارد و مسأله به مرحله بعد، یعنی سنجیدن مجرمیت طفل (بر مبنای اماره تصرف پیشین) نمی‌رسد. این قاعده زمانی است که دو اماره مختلف باشند. در صورتی که هر دو اماره مشابه و از یک دسته باشند، مثلاً اثر انگشت به جای مانده در صحنه جرم نشان از مجرم بودن الف و در عین حال وجود لکه خون فرد ب، بیانگر بی‌تقصیری الف باشد (در حالی که هر دو از امارات موضوعی هستند) در چنین حالتی هر دو اماره به کنار گذاشته می‌شود و اگر دلیل دیگری وجود نداشته باشد، حکم به تبرئه فرد داده می‌شود.<sup>۱</sup>

#### نتیجه‌گیری

هر چند حقوق انگلیس در سطح بسیار بالایی مبتنی بر رویه قضایی است، ولی در بحث امارات، وجود رویه قضایی ملموستر است. در بحث امارات، رهنمودهای مختلفی (مثل رهنمود لوکاس، وای و...) وجود دارد که همگی از رویه قضایی ناشی شده‌اند. این رهنمودها باعث حل موضوعات مرتبط با امارات می‌شوند و قاضی و هیأت منصفه را در بررسی پرونده‌ها یاری می‌کنند.

امارات هم می‌تواند به نفع متهم و هم به ضرر او مورد استفاده قرار گیرد. اماره «شخصیت خوب» به نفع متهم و اماره «شخصیت بد» به ضرر اوست. بر خلاف اماره «شخصیت بد» یا «شخصیت خوب» که فقط از یک طرف (متهم یا دادستان) مورد

1. Spoliation Doctrine.

استفاده قرار می‌گیرد، کارشناسی یا اماراتی مانند آن می‌تواند از هر دو طرف مورد استفاده قرار گیرد. توضیح اینکه خصوصیت ذاتی برخی امارات مثل «شخصیت خوب» باعث می‌شود، فقط از جانب متهم مورد استناد قرار گیرد. در حالی که در کارشناسی و اماراتی مثل آن این گونه نیست.

در حقوق انگلیس، امارات گاهی از طرف قانون (اماره حکمی) و گاهی نیز از جانب رویه قضایی (اماره قضایی) ایجاد می‌شود. مصادیق معین شده به عنوان اماره قضایی بیشتر از موارد اماره حکمی است. مثلاً امارات مرتبط با دکترین تخریب<sup>۱</sup> که شامل کلیه موضوعات مرتبط با تخریب مدارک جرم و مخدوش نمودن فرایند دادرسی، مثل فرار متهم، جعل مدرک، سوزاندن مدرک، تطویل بی‌جهت دادرسی از طرف متهم و.. می‌باشد، از طرف رویه قضایی ایجاد شده‌اند.

به جز اماراتی که قطعیت صددرصد آنها به واسطه علوم مختلف از جمله ژنتیک در تشخیص «دی.ان.ای» ثابت شده است، سایر امارات مثل دروغگویی، سکوت، فرار متهم و.. دارای قطعیت بالا نیستند، مگر اینکه در طی محاکمه با تحقیق و بررسیهای انجام شده توسط قاضی، و با اوضاع و احوالی که جرم در آن حالت اتفاق افتاده، قطعیت آور باشند.

فهرست منابع

#### الف - منابع فارسی

- ۱ - جعفری لنگرودی، محمدجعفری، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲ - محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، پاییز ۱۳۸۱.

---

1. Spoliation Doctrine.



ب - منابع انگلیسی

1. Ashworth, Andrew J and Ovey, Clare, Ashworth, Andrew J and Ovey, Clare, **Case Comment: Human Rights: Adverse Inferences from Silence**, Criminal Law Review, Oct, 2001.
2. Best, WM, **Principles of the Law of Evidence**, Fifth Edition, H Sweet, London, 1887.
3. **Black's Law Dictionary**, Eight Edition, by Garner, Bryan, A., West Publishing, US, 2004.
4. Christopher, Allen, **Practical Guide to Evidence**, Third Edition, Cavendish Publishing, 2004.
5. Emson, Raymond, **Evidence**, Second Edition, Palgrave Publishing, London, 2004.
6. Heydon, JD and Ockelton, Mark, **Evidence (Cases and Materials)**, Third Edition, Butterworth's Publishing, 1991.
7. Law Commission No 273, 2001, para 8.19.

